



عکس: سجاد صفوری/ایران

## صلح؛ حسرت خاورمیانه

میزگرد «ایران» پیرامون آینده تحولات خاورمیانه و نقش آمریکا و روسیه در منطقه



نیماراد  
خبرنگار

در یک سالی که گذشت، بحران سوریه شتاب بیشتری نسبت به آنچه که در پنج سال گذشته شاهد بودیم، گرفت. این شتاب که روندی مثبت دارد، بویژه در شش ماه اخیر با همکاری مشترک ایران و روسیه به گونه‌ای چشمگیر بود که ترکیه را نیز به همسویی با مثلث ایران، روسیه و سوریه واداشت. با این حال در سه ماه اخیر و با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره چگونگی حل بحران سوریه که در واقع حل بحران خاورمیانه قلمداد می‌شود، مطرح شده است. بویژه که هم پوتین و هم ترامپ مدعی هستند، در حل بحران سوریه و مبارزه با تروریسم همسو هستند. درباره وضعیت بحران‌های خاورمیانه و حضور روسیه در حل این بحران و تأثیر ترامپ بر این حوادث با قاسم محبعلی، مدیرکل سابق بخش خاورمیانه وزارت خارجه و جاوید قربان اوغلی، سفیر سابق ایران در آفریقای جنوبی به گفت‌وگو نشستیم.

**تحولات ۶ ماهه اخیر در سوریه بسیاری از معادلات در این کشور را تغییر داد. آیا این تغییرات طبیعی بود یا هم افزایی ایران و روسیه در سوریه بر سرعت رویدادها بیفزاید؟**

**محبعلی:** در کشورهای عربی مفهومی به معنای دولت-ملت شکل نگرفته است و در مقایسه با اتحادیه اروپا مرزهای ملی جداکننده مردم نیستند. در واقع پیش از بهار عربی تمام حکومت‌ها و جریان‌های سیاسی حول محور منازعه با اسرائیل یا وابستگی به آمریکا یا اتحاد جماهیر شوروی خود را تعریف می‌کردند. به همین دلیل جهان عرب بیش از آنکه تحت تأثیر مسائل و چالش‌های داخلی خود باشد متأثر از مسائل و عملکرد قدرت‌های بیرونی یعنی قدرت‌های فراعربی بوده است. یعنی در جهان عرب سیاست از درون شکل نمی‌گیرد. به عنوان مثال امروز ایران، ترکیه، آمریکا و روسیه تأثیر بیشتری در معادلات دارند تا خود کشورهای عربی. سوریه نیز جدا از اینکه حکومت اقلیتی نظامی و دیکتاتور بود، به لحاظ سیاست خارجی پس از فروپاشی شوروی و چهار بحران شد و در برخی مسائل از جمله بحران با اسرائیل برخلاف مصر وارد

شاهد آن هستیم نگه داشته است. عامل نخست متغیر ثابت ایران بود. چرا که از ابتدای بحران سوریه ایران به طور ثابت پای حکومت سوریه ایستاد و اجازه نداد سناریویی که غرب، ترکیه، عربستان، قطر و... انتظار می‌کشیدند رخ دهد. عوامل دیگر که بسیار مهم هستند تردید غرب درباره آینده سوریه در صورت فروپاشی حکومت و کناره رفتن اسد و ورود جدی و با برنامه روسیه به بحران سوریه بود. اگر در شرایط فعلی سوریه مشاهده می‌کنیم که اجلاس‌ها یا توافق‌هایی صورت می‌گیرد با هدف نقش آفرینی در آینده سوریه و تعیین سهم و نقش هر یک از قدرت‌ها در آینده این کشور است. واقعیت این است که در دوران او باما شرایطی به وجود آمد که چند عامل تأثیرات منطقه‌ای مهمی داشت. یکی از مهم‌ترین مسائل برجام بود که اثرات منطقه‌ای فراوانی بخصوص در نفوذ ایران در منطقه داشت. تأیید از برجام بیشتر توان و نقش آفرینی نظامی ایران در منطقه مورد توجه قرار می‌گرفت اما برجام در دو سال اخیر توانست ظرفیت‌های بالا و انرژی دیپلماسی ایران را دوباره فعال کند و در مقابل کشورهایی مانند عربستان و ترکیه را که منتظر سقوط اسد بودند با واقعیت‌های جدیدی مواجه کرد. ایران همچنین در رأس قدرت‌های منطقه‌ای ایستاد و توانست در سوریه و عراق نقش آفرینی جدی‌تری داشته باشد.

**در پایان دوره او باما با حمایت کاخ سفید قدرت‌هایی مانند ترکیه که بیشتر به آمریکا نزدیک داشتند در میدان نبرد سوریه نقش آفرینی خود را افزایش دادند و اروپا نیز در موضوع سوریه و اوکراین روابط خود با مسکو را باز تعریف کرد. اما باروی کار آمدن ترامپ سخن از روابط تازه میان آمریکا و روسیه مطرح شد و کشورهای خاورمیانه نیز منتظرند که پس از مشخص شدن کیفیت این روابط، روابط دو جانبه خود را با روسیه و آمریکا باز دیگر تعریف کنند. تغییر روابط مسکو و واشنگتن چقدر می‌تواند در تغییر مسیر تحولات خاورمیانه مؤثر باشد؟**

**محبعلی:** با وجود نفوذ تاریخی روس‌ها در خاورمیانه، باید اذعان کرد که مسأله اوکراین، پوتین را ترغیب کرد که در حمایت خود از سوریه تجدید نظر جدی صورت دهد. روس‌ها امنیت ملی خود را به سه حوزه تقسیم کرده بودند. نخست حوزه فدراسیون روسیه که از بعد امنیتی بسیار حیاتی بود و مسکو تاکنون در حفظ آن موفق بوده است. دوم حوزه نزدیک‌ترین همسایگان روس‌ها در آسیای شرقی بود و تلاش می‌کردند نفوذ خود را در آنها حفظ کنند که در آسیای میانه و قفقاز تا حدودی موفق بودند. در این میان اوکراین به دلایل

نتوانست با درخواست روابط خود با این رژیم را تنظیم یا حل کند. دمشق همچنین زمان جنگ ایران و عراق برخلاف دیگر کشورهای عربی در کنار ایران قرار گرفت و شکافی جدی در جهان عرب ایجاد کرد. همه اینها موجباتی فراهم کرد تا سوریه به دلیل مشکلات ذاتی داخلی تحت فشار قرار بگیرد.

حکومت سوریه در آغاز بهار عربی در حال فروپاشی بود اما مداخله خارجی مانع این فروپاشی شد. در واقع در صورت عدم مداخله ایران و حزب الله حکومت اسد تاب این شرایط را نداشت. بیش از یک سال و نیم پیش نیز مداخله روسیه توانست وضعیت را باز هم به نفع حکومت اسد تغییر دهد و وضعیت نسبت به گذشته تغییر کند. باید بپذیریم که حکومت بشار اسد از سال ۲۰۱۱ دچار مرگ کلینیکی شده و دیگر حکومتی نیست که بتواند روی پای خود بایستد. در واقع دست کم در ۴ سال اخیر مناسبات خارجی حکومت را حفظ کرده و در ماه‌های اخیر نقش آفرینی این مناسبات تقویت شده است. تمام تلاش روس‌ها در یک و نیم سال اخیر این بوده که مداخله نظامی خود در سوریه را تحت هر شرایطی با آمریکا تنظیم کنند. یعنی معادله‌ای دو جانبه با آمریکا در سوریه تعریف کرده تا پس از آن وارد معادلات بین‌المللی شود. ظاهر آن گونه که روس‌ها می‌گویند دولت او باما به هیچ عنوان علاقه نداشت با روس‌ها به عنوان یک «شریک هم‌تا» همکاری کند. او باما بارها روسیه را قدرت منطقه‌ای خوانده بود و به صراحت گفته بود که روسیه دیگر قدرت جهانی نیست. او همچنین حضور روسیه در سوریه را ورود به باتلاق خوانده بود. روس‌ها پس از این مواجهه دولت آمریکا تغییراتی در سیاست خود اعمال کردند و در شش ماه پایانی دولت او باما فرصت پیدا کردند با مدیریت شرایط از طریق حملات هوایی و استفاده از نیروهای ویژه خود حلب را بازپس گرفته و پس از آن وارد معادله‌ای منطقه‌ای با ایران و ترکیه شوند. این موضوع نیاز متقابل ترکیه نیز بود و معادله‌ای تازه شکل داد و شرایطی جدید را ایجاد کرد. البته باید توجه کنیم این شرایط تنها محصول دوران گذار است و پس از بازگشت آمریکایی‌ها به خاورمیانه باید منتظر ماند و دید آنها در بازگشت چگونه عمل می‌کنند.

**در این مدت کشورهای خاورمیانه تلاش کرده‌اند روابط خود با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای یعنی آمریکا و روسیه را مورد بازنگری قرار دهند. به نظر شما در حال حاضر چه موضوعات مشترکی می‌تواند کشورها را کنار هم بنشانند یا مقابل هم قرار دهد؟**

**قربان اوغلی:** قبل از پاسخ به این سؤال باید عرض کنم سه مؤلفه و عامل وضعیت سوریه را در شرایطی که امروز